**( 304 )**

**هو الله**

یا من امتحن من هو میزان الامتحان حکایت کنند که روزی حضرت امیر علیه السلام بر لب بامی بود شخص بیگانه‌ئی عرض نمود یا علی مطمئن بحفظ و حمایت و صیانت حق هستی فرمودند کیف لا و انا اول مؤمن بالله عرض کرد پس اعتماد بر حفظ حق نما و خود را از لب بام فرو انداز فرمودند هر عالی دانیرا باید امتحان نماید نه هر کس در هر جا للمولی ان یمتحن العبد و لیس للعبد ان یمتحن المولی اینست که هفت قبیله از قبائل عرب در حضور حضرت رسول روحی له الفدا حاضر و هر یک امتحانا معجزه‌ئی خواستند یکی حتی تفجر لنا من الأرض ینبوعا گفت دیگری او تأتی بکتاب من السمآء بر زبان راند دیگری او یکون لک بیت من زخرف گفت دیگری او ترقی الی السمآء بر زبان راند چون مقصدشان امتحان بود جواب کل

قل سبحان ربی هل کنت الا بشرا رسولا شد و انک انت استفت قلبک فتری ان الکلمة اشتقت و الاحرف استنطقت و النقاط تفرقت و الحقیقة ظهرت و الآیة نطقت و انوار الوحی تشعشعت هل بعد النور الا الدیجور و هل بعد الضحی و الآصال الا جنح اللیالی الظلمآء فاختر ما تشآء ان ربک یهدی من یشآء (ع ع)